

اگر گاهی مشکلات تورا خم کرد بدان آغاز ایستادن است.

جامه مصرفی!

معلمی، شغل انبیاء است و با عنایت به مخارج و هزینه های کلان جاری اگر به بحث معیشتی این قشر عظیم توجه نشود، آسیبهای غیر قابل بازگشتی به جامعه وارد می شود. نگرش درست به مشکلات این جامعه ارزشی، چنانچه از روی برنامه ریزی درستی صورت گیرد می تواند آینده درخشانی را برای کشور مان به همراه بیاورد. شایسته و بایسته است فرد فرد افراد جامعه که به اشکال مختلف از خدمت آموزش، آموزش و پرورش، بهره مند هستند بخصوص در بخش مدارس دولتی با همکاری و هم فکری به حل مشکلات این بخش عظیم توجه نمایند و با روشهای معقول و مطلوب به پیشبرد بهتر امورآموزشی کشور کمک کنند. شهادت استاد عزیز و ارجمند شهید مطهری و روز معلم گرمای باد... جعفر صابری

کشکولک...

هیچوقتواردگذاشته هیچ آدمی نشووزیروروش نکن،حتی عزیزترینت ! زیباترین باغچه هم که بیل بزنی حداقل به کرم توش پیدا میکنی...
++++
هرگز به کسی حسادت نکن بخاطر نعمتی که خدا به او داده ... زیرا تو نمیدانی خداوند چه چیزی را از او گرفته است ... و غمگین میشاش وقتی خداوند چیزی را از تو گرفت ... زیرا تو نمی دانی خداوند چه چیزی را عوض آن به تو خواهد داد . همیشه شاکر باش و بگو ...شکر
++++
چه زیباگفت بزرگی : اگر روزی تصمیم به محاسبه ثروتت گرفتی پولهایت را بشمار. کافی است قطره اشکی بر روی گونه ات بریزی . تعداد دستانی که آنرا پاک میکنند ثروت توست .
++++

دلهای ما که بهم نزدیک باشد ،دیگر چه فرقی می کند که کجای این جهان باشیم.
دور باش اما نزدیک ...من از نزدیک بودن های دور می ترسم ...
++++
اگر همه ی عالم قصد ضرر رساندن به تو را داشته باشند . و خدا نخواهد ، نمی توانند ، او که یگانه تکیه گاه من و توست پس...
به "تدبیرش" اعتماد کن،
به او "توکل" کن و به سمت او "قدمی بردار"
تا ده قدم آمدنت به سوی خود را به تماشا بنشینی...
++++

شماره حساب دلون رو نداشتم تا شادی ها رو براتون واریز کنم ... رمزش رو هم نداشتم تا لااقل غمهاتون رو برداشتم کنم ... ولی از خودپر داز دلم براتون آرزو کردم!
++++
چرخ گردون ، چه بخندد ، چه نخندد ، تو بخند مشکلی ، گر تو را ، راه ببندد ، تو بخند
++++
غصه ها ، فانی و باقی ، همه زنجیر به بیدار شو به دنیا سلام کن...
نفسی عمیق بکش...
هوا مال ماست...
آرامش...
مهربانی...
لبخند...
امید...
زندگی مال ماست...!!
وقتی لبخند روی لبهایت می شکفت!!!
++++
عاشقانه سر سجاده دلت بگو
خوددایا شکر...
که همیشه پناه مایی و این همه نعمت را برای ما آفریده ای...
همزاران هزار مرتبه شکر
++++

روزتون سرشار از عشق الهی آرزویم، دیدن اوج غرورتان در صبح و رسیدن به همه رویاهایتان است من دعاخواهم کرد:امروزتان پر نور،

یک قانونی هست که میگه:
تا قبل از اینکه پرواز کنی هر چقدر خواستی بنترس، فکر کن، شک کن، دو دل شو، پشیمون شو
اما وقتی که پریدی
آگه وسط راه پشیمون شدی، بازی رو باختی

۱۱ اصل مهم در ارتباط والدین و فرزندی



اگر می خواهید با فرزندان تان رابطه ای عالی و اصولی داشته باشید این ۱۱ اصل را فراموش نکنید . والدین باید با فرزندان خود دوست و رفیق باشند و با اصول برقراری رابطه انسانی به عنوان مهم ترین قدم در فرایند تعلیم نوجوانان آشنا باشند . رعایت این اصول به والدین کمک می کند تا میان خود و فرزندان رابطه ای مطلوب و انسانی برقرار نمایند، برخی از مهم ترین این اصول شامل موارد ذیل می باشد:

اصل دانایی
هیچ پدر و مادری خود به خود نمی تواند پدر و مادر موفق و توانایی بشود و فرزندش را آن طور که هست بشناسد و او را درک کند، مگر این که دانایی های ضروری را کسب کند چرا که توانایی در دانایی است. باید پذیرفت که یک مادر یا یک پدر آگاه و مسئول بودن مشکل است و احتیاج به مطالعه و کسب دانش های لازم دارد. بنابراین توصیه می شود با مطالعه کتاب های روان شناسی و تعلیم و تربیت نسبت به شناخت رفتار فرزندان دانا و آگاه شوید زیرا لازمه کار با فرزندان آگاهی داشتن از احوال آنان است.

اصل اعتدال
با فرزندان باید براساس اصل اعتدال رفتار کرد ضمن آن که اصول انضباطی و مقررات و انتظارات خود را به فرزندان یاد می دهید و از او می خواهید در عمل آنها را رعایت کند، اعتدال را نیز در نظر داشته باشید. از این اصل می توان تحت عنوان اصل پرهیز از افراط و تفریط نیز یاد کرد. برای مثال افراط در محبت کردن بیش از حد به فرزند به وابستگی شدید و تفریط در محبت کردن به وی به ناامنی روانی او منجر می شود. پس باید در تعلیم و تربیت کودک و نوجوان از افراط و تفریط پرهیز کرده و براساس اصل اعتدال با او رفتار کنید.

اصل آشناسازی با واقعیت ها
برای این که فرزندمان با واقعیت ها آشنا شود باید در دنیای واقعی و در محیط طبیعی آموزش ببیند و تربیت شود. در ارتباط با این اصل جمله معروفی است که می گوید «گل هایی که در گلخانه پرورش می یابند زود پری می شوند» منظور این است که تعلیم و تربیت باید در دنیای واقعی و طبیعی صورت گیرد نه در دنیای قرنطینه و غیرواقعی. زمانی که فرزندان را در یک محیط قرنطینه تربیت کنید و به اصطلاح او را لای زورق بزرگ کنید، او را از واقعیت ها دور می سازید.

اصل الگوپذیری و تقلید
آگاه باشید که فرزندان همیشه مراقب رفتار و گفتار بزرگسالان هستند و از طریق تقلید کردن و الگو قرار دادن رفتار و گفتار آنان یاد می گیرند و رفتار می کنند. بیاپید هر چه را که انتظار داریم نوجوانمان انجام دهد یا ندهد، خودمان آن رفتار یا عمل را انجام دهیم یا ندهیم. اگر می خواهیم به فرزندانمان «سلام کردن»، «خواهش کردن»، «تشکر کردن»، «مودب بودن» را یاد بدهیم خودمان باید این رفتارها را در عمل نشان دهیم و پیش قدم باشیم.

اصل ایجاد امنیت روانی
از نظر روان شناسی، نخستین شرط تامین سلامت روانی کودک یا نوجوان، احساس امنیت روانی است. تربیت فرزندان باید در یک محیط امن صورت پذیرد؛ مثلا هیچ گاه نباید به فرزندان بگویید «دوست ندارم یا «تو دیگر پسر یا دختر من نیستی» این گونه برخوردها و بیان این گونه جملات نه تنها هیچ کمکی به اصلاح رفتار کودک نمی کند بلکه موجب سرخوردگی او شده و امنیت روانی او را مختل می کند.

اصل برخورد مثبت
هنگامی که با فرزندان روبه رو می شوید، سعی کنید با او برخورد مثبت داشته باشید و به دنبال نقاط مثبت او باشید، نه عیب جویی و ایراد گرفتن از او. اگر از وی رفتار نا مطلوبی سر می زند دلیل آن را خوبا شوید و مثلا از او بپرسید «بپرسم می توانی بگویی چرا آن کار را کردی» یا «چطور شد که آن رفتار را انجام دادی؟». سعی کنید از خجالت دادن، سرزنش کردن و توهین کردن به او بپرهیزید تا دیدار شما برای فرزندان «آرامش بخش» باشد. اصل برقراری ارتباط عاطفی و کلامی

تحقیقات نشان داده است که هر چه بین اعضای خانواده ارتباط کلامی و پیوند عاطفی بیشتر باشد، روابط اعضا سالم تر و مستحکم تر است تلاش کنید فضایی ایجاد کنید که فرزندان به شما اعتماد کنند و بتوانند از علاقه ها، نگرانی ها، خواسته ها، احساسات و مشکلاتش با شما صحبت کنند. گاهی اوقات فرزندان را در آغوش بگیرید. ادامه در شماره بعد...

کاروان

نور



غروب عصر روز یازدهم فروردین ماه 1394 کو ههای سر به فلک کشیده و در هم گره خورده استان لرستان را که سینه پرتاریخشان را گشوده بودند تا در میان سبزی دستاتشان راه را برای ما بگشایند به آرامی طی می کردیم و گاه سینه کوه که بدست لایق شیر مردان وطن شکافته شده بود، فرصت این را می داد تا در میان عظمت طبیعت ،خود را مخفی سازیم و مسیر نا هموار کوهستان را کو تاه کنیم. زاگرس عزیز را پشت سر گذاشتیم و به دشت زیبای استان خوزستان وارد شدیم و اولین ایستگاه رو بروی ما دوکوه بود...پادگانی که از اولین روز های دفاع مقدس هزاران خاطره در خود جای داده ،اینجا ایستگاه بچه های باصفای لشکر 27 حضرت رسول (ص) بود و بعد شهر اندیشمک و تابلو پر افتخار دزفول که خار چشم دشمنان بوده و هست...شهری که بیشترین جراحت موشک های جنگ تحمیلی را بر جان خود دارد... و این مسیر سبز دشت خوزستان را پیومدیم ...در هر قدم از این مسیر خاطرات هشت سال دفاع مقدس را به یاد آوردیم ، از مقابل پادگان امام خمینی که روزگاری مقر لشکر 33 المهدی (بچه های استان فارس) بود گذشتیم و میدان چهار شیر و تک تک محله های با صفای اهواز را پشت سر گذاشتیم تا به محل سکونت مان رسیدیم.

مسیر بدی ما شلمچه بود و در این مسیر از شهر های آبادان و خرمشهر باید عبور میکردیم...وقتی به شلمچه رسیدیم و میدان امام رضا را دیدم که مملو از میهمانان نوروزی بود بر خود بالیدم ...در طول مسیر به این فکر میکردم که چه مصافتی را دشمن یعنی اشغال کرده بود و با چه خفتی بیرون رانده شد...امروز این پرچم سه رنگ ایران عزیزاست که در جای جای دشت خوزستان برافراشته شده و ارونند خروشان مسیر سبز دشت خوزستان را در هم می درد و با وقار به خلیج همیشه فارس می ریزد و خدا را هزاران بار شکر که این سرزمین همچنان با هزاران تاریخ و فر هنگ ، زینت بخش خاک سرزمین عزیزمان ایران است.

و شلمچه این سرزمین شیر مردان ،قدمگاه عاشقان ،با کمترین تغییری آغوش محبتش را برای میهمانان نوروزی گشوده بود...خاکی که روزهای تلخ و شیرین زیادی را به خود دیده بود، تا امروز ماوی فرزندان ایران زمین باشد...بچه ها شاد بودند زنان و مردان با سر بلندی بر روی خاکریز های به یادگار مانده از روزهای دفاع مقدس ،می ایستادند و تصاویری را به یادگار میگذاشتند ...مسیر میان آب ها را با پرچم و فانوس مشخص کرده بودند و تاتاک ها و ضد هواایی ها هم نشان از آن روز ها بود ،درست در همان جا که معروف شده بود به سه راه استقامت ایستادم و به یاد روزی افتادم که این خط ، با حمله دشمن یعنی در هم شکسته شده بود... پدرم که درست در سالگرد رفتش، به میعاد گاهش رفته بودم همین جا بود که جسمش پر شده بود از زخم های دشمن ...خوب یادم هست حاج مهدی اسدی فرمانده آن روزهای لشکر 33 المهدی پدرم را در آغوش کشید و گفت دعا میکنم در بستر از دنیا نروی ...و چه شیر مردانی در همین خاک ارزشمند به خون خود غلظتند...

در سنگر پدرم نوشته شده بود قامت بشکسته ی مارا نبین در شکسته نفس خود ،مردانه ایم...و این بدان دلیل بود که باید با قد خمیده وارد سنگر ها می شدیم...امروز همان سنگر ها سجده گاه نسل سوم انقلاب بودند و این زیباییست که ملتی قدر دان دلیر مردانش باشند...همه ی آن خاطرات را با خود به مسجد خرمشهر آوردیم چرا که هر چه داریم از برکت همین مساجد است به خصوص این مسجد که با یاد ها و خاطرات فراوانی از آن روز ها برایم به یادگار دارد . نماز مغرب بود و یاد دوست عزیزمان همشهری خوب مان ناصر پلنگی که با نقاشی های دیواریش به این مسجد تاریخ بخشید، را زنده کردم.این بار من بودم و فرزندم که قامت برای نماز بستیم و نماز شکر به جا آوردیم.

امروز خرمشهر خرم شده و اما دشمن خار و کشورش هنوز تکه تکه و در هم پیچیده شده است این همان ناله ها و فریاد های مادران و پدران و همسران و فرزندان شهدای است که ایستادند تا ما امروز بایستیم. در جای جای این سرزمین زندگی در جریان است و این نشان از اقتدار است و قدرت ،قدرتی که بر خاسته از ایمان و همت ملتی دلیر و با غیرت است و چه زیباییست که در همین روز های آغازین سال جدید شاهد پیروزی دیگری در صحنه جهانی بودیم و آن هم همین حق غنی سازی هسته ای بود که به جهاتیان ثابت کردیم ما مردمی صلح جو و طالب صلح و دوستی هستیم و تاریخی داریم سراسر از سربلندی و مقاومت در مقابل ظالمان و دژخیمان. تقدیم به روح پر فتوح پدرم و تمام رزمندگان و شیر مردان این سرزمین در طول تاریخ ، سبز و سر بلند باشی ای ایران عزیز... جعفر صابری 12 فروردین ماه 1394خوزستان